گفت‌وگو با دکتر سعید محمودی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه استکهلم درباره پروتکل الحاقی

اروپا نگران تکرار بحران عراق است

گفت‌وگو: امید معماریان

سعید محمودی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه استکهلم، از سال ۱۹۹۵تا ۲۰۰۲ عضو گروه مشاوران وزارت امور خارجه سوئد بوده است. وی تاکنون بیش از هفت کتاب و ۳۰ مقاله علمی در زمینه‌های مختلف روابط بین‌الملل در مجلات تخصصی و کتاب‌های دانشگاهی به چاپ رسانیده است. با آنکه سال‌ها دور از ایران زندگی می‌کند، تحولات جامعه ایرانی را به دقت دنبال می‌کند. نگاهی که این استاد دانشگاه از آن زاویه سخن می‌گوید نگاهی از «بیرون» به «درون» است.

ایران اعلام کرده که موارد مورد نظر آژانس را به انجام رسانده و بیانیه شورای حکام بیانیه صرفا تبلیغاتی وسیاسی بوده است.....ودرنهایت ایران اعلام کرده که پروتکل الحاقی را می پذیرد. دقیقا پذیرش پروتکل الحاقی منع گسترش وتکثیر سلاح‌های اتمی چه معنایی دارد؟

در مورد پروتکل صحبت‌هایی شده که با واقعیت هماهنگی ندارد. پیش از هر چیزی باید اشاره کنم که امضای پروتکل به خودی خودش به معنای این نیست که مشکل ایران با آژانس حل شده است. این مساله ۶ ماه پیش ویا یک سال پیش مهم بود .خیلی هم مهم بود. ولی الان با توجه به نمونه برداری‌های انجام شده وسوالاتی که درباره عملکرد گذشته ایران پیش آمده اهمیت پیوستن به پروتکل از بین رفته ویا احتمالاً کم شده است. الان مشکل اصلی ایران پروتکل نیست. به نظرم حتی اگر ایران پروتکل را امضا نمی‌کرد ولی جواب‌های اصلی سوالات آژانس را می‌داد شرایط کاری اش با آژانس خیلی بهتر بود. این پیوستن مساله ای درباره آینده است وفقط حسن نیت ایران را نشان می دهد ولی جواب سوال‌های سخت قبلی را نخواهد داد. مساله دیگر اینکه حرف‌هایی درباره پروتکل در ایران زده شده که شاید با واقعیت همخوانی نداشته باشد. برای اینکه وضع ایران پس از امضای پروتکل نسبت به قرارداد دوجانبه ای که درحال حاضربین ایران وآژانس جاری است واجازه می دهد آژانس بیاید وآنجا را بررسی کند خیلی مشکل‌تر می شود. به این مفهوم که آژانس با ضرب الاجل خیلی کوتاه‌تر یعنی ۲۴ ساعت قبل می تواند به ایران بیاید، از جاهای مختلف ودرتعداد بیشتری می تواند دیدن بکندولی به هیچ عنوان مفهومش این نیست که آژانس بین‌المللی اتمی می‌تواند هر موقع ، هرجا و هر قدر و با هر کسی که می‌خواهد بیاید و تاسیسات ایران را ببیند. بنابراین کسانی که هراس داشتند که آژانس بیاید بگوید فردا می‌خواهیم بیاییم مثلاحرم حضرت معصومه یا کاخ ریاست جمهوری،به این شکل مطرح نبود. مساله بازرسان سازمان ملل بودند که شورای امنیت به آنها یک اختیار بی‌نهایت داده بود واین اختیار بی‌نهایت اصلا موضع پروتکل وآژانس بین‌المللی نیست. این پروتکل اختیارات دیگری به آژانس می‌دهد ولی با این وجود حرف آخر را به عهده دولت ها گذاشته است. یعنی اینکه اگر به فرض آژانس بخواهد از منطقه ای در ایران دیدن بکند اولا باید آژانس ثابت کند سوء ظنش واخبارش پایه دارد واین جایی که می‌خواهند بازدید کنند، می‌تواند به هرنحوی ربطی به فعالیت‌های اتمی‌ایران داشته باشد. بنابراین اگر یک جایی باشد که مساله نظامی‌باشد یا مسائل سری ایران باشد که منطقا هیچ ربطی به فعالیت‌های نظامی‌ایران ندارد، ایران می‌تواند رد کند؛ مضافا به اینکه اگر آژانس بخواهد جایی را ببیند وایران به هر دلیلی نخواهد باز در خود پروتکل ذکر شده است که آژانس می‌تواند از ایران بخواهدآزمایش ها وبازرسی ها را خود ایران انجام دهد ونتیجه اش را به آژانس اعلام کند. به هرحال حرف آخر در مورد بازدید از تأسیسات به عهده خود ایران است واین شایعه پراکنی‌هایی که می‌گوید با امضای این پروتکل ایران را فروختیم وهرکاری بخواهیم بکنیم کنترل می‌شویم، این طور نیست. خیلی بیشتر از قبل دست وبال ما بسته می‌شود؛اما به هر حال،حرف آخر را ایران می‌زند.

> ◆
>
> **حرف آخر در مورد بازدید از تأسیسات به عهده خود ایران است و این شایعه‌پراکنی‌هایی که می‌گوید با امضای این پروتکل، ایران را فروختیم وهرکاری بخواهیم بکنیم کنترل می‌شویم، این طور نیست. خیلی بیشتر از قبل دست وبال ما بسته می‌شود به هر حال، حرف آخر را ایران می‌زند**
>
> ◆

چه سوال‌های مهمی دراین هشدارها وجود داشته که آژانس مدعی است ایران از پاسخ دادن به آنها طفره می‌رفته یا می‌رود؟

دو مساله است. یکی مساله این نمونه‌هایی که پیدا کرده بودند که نشان دهنده اورانیوم با غلظت بالا بود.ایران بلافاصله جواب داد که ما اینها را از خارج وارد کرده‌ایم واین خودش خلاف حرفی بود که ایران تا آن زمان می‌زد. تمام حرف ایران این بود که تمام تکنولوژی این ماجرا را ما خودمان ایجاد کردیم وچیزی از خارج وارد نکردیم. آژانس در این مورد گفت، خیلی خوب! اگر شما از خارج وارد کردیدباید بگویید منبع تان که بوده، به چه مقداری ، در چه تاریخی، ازکدام مرز آمده ، کجاها بوده است؟ الان کافی نیست که بگویید ما این را در نطنز داشتیم. ادعای آژانس این بود که اینها در جاهای مختلفی در ایران بوده واحتمالاً هنوز هم هست. از این نظر یک اطلاعات کافی می‌خواهند که کارشناسان آژانس قانع بشوند که حرف ایران درست است وسوابق کار را واقعا درآورده اند. مورد دیگر که جواب دادنش برای ایران مشکل است این که تکنولوژی ایران برای پروسس کردن اورانیوم را که آژانس کشف کرده، تکنولوژی ای بوده است که تا به حال آژانس از آن بی خبر بوده است. وقتی این نوع تکنولوژی در کشوری مصرف می‌شود وبه آن حد رسیده واین آزمایش ها روی دستگاه‌های سانتریفوژ وگریز از مرکز انجام می‌گیرد ایران باید گزارش می‌داد. معمولا مصرف این آزمایش ها چیزی نیست جز مصارف نظامی. بنابراین سوال برانگیز است که اولا شما این تکنولوژی را از کجابه دست آوردید؟چند بار این آزمایش ها را انجام داده اید؟ والان سطح علمی‌شما در چه وضعیتی است؟

پاسخگویی ویا عدم پاسخگویی به این سوالات چه پیامدهایی برای کشور خواهد داشت؟

پیامد فوری برای ایران نسبت به خارج نخواهد داشت. به هر حال ایران الان مورد را روشن کرده که مثلا ما اشتباه کردیم یا اینکه گزارش به موقع ندادیم؛ولی آزمایش ها را دانشمندان خود ما انجام داده‌اند وتکنولوژی در داخل ایران انجام شده ومضافا قطعاتی را هم که از خارج خریده‌ایم از چین یا اوکراین خریده‌ایم؛ آن وقت کار را به عهده آژانس بین‌المللی واوکراین وچین یا هر جای دیگری می گذاریم . ولی این فقط ازدیدگاه رابطه ایران با این کشورهاست. ولی از یک جهت برای ایران مشکل است؛ برای اینکه اگر ایران بخواهد همه این جزییات را به آژانس بین‌المللی اطلاع بدهد، در واقع دست خودش را برای همیشه باز کرده واحتمال اینکه بتواند به این آزمایش‌ها در آینده ادامه بدهد با توجه به اینکه تمام اسرار خود را گفته است، خیلی مشکل خواهد بود. حتی اگر این باشد که مثلا ده یا پانزده سال آینده این موضوع دنبال شود. از نظر سیاسی تصمیم بسیار مشکلی است که جواب این سوالات را چگونه بدهیم واساسا جواب بدهیم یا نه.

این احتمال وجود دارد که ایران پس از قبولی پروتکل برای تصویب آن وعملی کردن بندهای آن برای خود زمان دست وپا کند...

احتمالش است ولی ایران این کار را نخواهد کرد. به دو دلیل؛ اولا در خود قطعنامه آژانس بین‌المللی نوشته شده است که ایران نه تنها بایدفوری امضا کند بلکه باید فوری هم اجرا کند. یعنی که ما می‌دانیم که می توانیم این را چهارپنج سال بگردانیم وبعد امضا کنیم؛ ولی الان وضع سیاسی دنیا جوری نیست که بپذیرد وشما بخواهید بهانه این را بیاورید که مثلا مجلس یا شورای نگهبان باید این را تصویب کند. این را نمی‌پذیرند و ایران هم این مساله را می‌داند .مساله دیگر هم این است که آنها که دست اندر کار این موضوع هستند، می‌دانند که این پروتکل ضرری برای ایران نخواهد داشت. برای اینکه همین الان هم آژانس هر وقت که بخواهد می‌آیدوتاسیسات را می‌بیند وهر جا بخواهد می‌رود وایران با آنها همکاری کامل داشته است.

این پروتکل سروصدایش خیلی بیشتر از آن چیزی است که پشت آن به چشم می‌خورد. بیشتر از لحاظ سیاسی سروصدایش زیاد شده است و اگر نه دست وبال ایران را به آن صورت نخواهد بست واجرایش هم برای ایران مشکل نخواهد بود. بنابراین ایران علاوه بر تصویب آن را هم عملی خواهد کرد.

یکی از نگرانی‌هایی که عده ای پیش از موافقت برای امضای پروتکل داشتند این بوده والان هم هست که حتی با امضای آن به دلیل همین فشارهای سیاسی که خود شما هم به حجم آن اشاره کردید موضوع با بهانه‌هایی دنبال می‌شود؛ مثل اینکه ما به ایران بی‌اعتماد هستیم ویا بهانه‌هایی که معمولا به دنبال هرفشار سیاسی در سطح بین‌المللی می‌تواند از سوی قدرت های جهانی به وجود بیاید؛ مانند آنچه که در عراق اتفاق افتاد....

البته این احتمال وجود دارد؛ ببینید از نظر سیاسی در جهان، داشتن سلاح اتمی‌توسط ایران غیرقابل قبول است. یعنی دنیا نمی‌تواند این مساله را بپذیرد که ایران سلاح اتمی‌داشته باشد. دیگر اینکه دنیا در مورد این مساله جدی است که تا آنجا که می‌شود هیچ کشور دیگری دستیابی به سلاح اتمی‌پیدا نکند به خصوص کشوری مثل ایران که پس از انقلاب ، دشمن رسمی‌امریکا واسراییل بوده است. این جزو سیاست بین‌المللی است که به هر قیمت که شده جلو دستیابی ایران به سلاح اتمی‌را بگیرد. چون این هدف است، فشار روی ایران خواهد بود تا به هرقیمت جلوی این کار را بگیرند. اگر این را به عنوان پیش فرض قبول کنیم، مساله بعدی این است که بعد از قبول پروتکل از سوی ایران وهمکاری صمیمانه برای کنار گذاشتن برنامه اتمی‌آیا می‌توان مطمئن باشد که فشاری دیگر بر او وارد نمی‌آید؟ احتمالاً فشاری در این زمینه نخواهد بود. یعنی فشار به این منظور است که نمی‌خواهند ایران به هیچ عنوان به سلاح اتمی‌دست پیدا کند ومساله مثل فشار برصدام نیست که بخواهند حکومت را عوض کنند . در مورد ایران این یک نگرانی جدی جامعه بین‌المللی و به خصوص در غرب است. به همین خاطر اگر ایران به صورت صمیمانه نشان دهد که این برنامه را کنار گذاشته ، احتمال دارد فشار در این زمینه به صورت کلی خیلی کمتر بشود یا به صورت کلی از بین برود. ولی این اتفاق به معنای این نیست که فشار سیاسی در جهات دیگر از روی ایران از بین خواهد رفت. مثلا موضوع حقوق بشر از جمله موضوعاتی است که می‌تواند جایگزین شود.

آیا به خاطر همین ملاحظات و الزامات سخت وجدی برای ایران که با پیوستن به پروتکل ایجاد می‌شود این امکان را پیدا نمی‌کند آمریکا این امکان را پیدا نمی‌کند که موضوع را به شورای امنیت بکشاند؟

من الان گمان نمی‌کنم دنیا دیگر علاقه‌ای به‌این موضوع داشته باشد. البته به شرط اینکه‌ایران جواب سوالاتی را که شده را بدهد. کسی انتظار ندارد که شورای امنیت هم علیه‌ایران بخواهد به توافقی برسد. اظهارات اخیر مقامات امریکایی نشان می‌دهد متوجه‌این شده‌اند که الان احتمال اینکه بتوانند از طریق شورای امنیت به یک توافق برسند کم شده است . بنابراین باید دنبال راه‌های دیگری بگردند. بنابراین نظر من‌این است که اگر ایران- همچنان که ادعا کرده است- جواب آژانس را صمیمانه بدهد، مساله کشاندن ماجرا به شورای امنیت تقریبا منتفی است.

عده‌ای در ایران معتقدند امضای پروتکل الحاقی ودست کشیدن از برنامه دستیابی به سلاح‌های اتمی‌یا حتی مصارف صلح امیز از انرژی هسته‌ای بر خلاف منافع ملی کشور است. عده‌ای هم آن را عین پشتیبانی از منافع ملی می‌دانند. برای مردم‌این سوال وجود دارد که پیوستن به پروتکل الحاقی منافع ملی را تامین می‌کند یا دنبال کردن به تکنولوژی هسته‌ای؛ به ویژه با توجه به ملاحظاتی که از نظر منطقه‌ای ایران با آن مواجه است

سوال خوبی است. ببینید به نظر من دلایل متعددی وجود دارد برای‌اینکه منافع ملی‌ایران ایجاب می‌کند که به سلاح اتمی‌مجهز بشود. همچنین به دلایل مختلف سیاسی ایران باید از برنامه دستیابی به سلاح‌های اتمی دست بردارد. یک امری است که می‌توان علیه یا له آن استدلال کرد. به نظرم کسانی که در رأس تصمیم گیری درایران هستند مثل هر سیاستمداری در هر کجای دنیا در میان گزینه‌های مختلف باید گزینه‌ای را انتخاب کنند که شرایط سیاسی فعلی دنیا وادارشان می‌کند. یک وقت است که منافع ملی شما مساله‌ای راایجاب می‌کند ولی وضعیت سیاسی دنیا اجازه نمی‌دهدکه منافع ملی رابه هر قیمتی در آن زمان رعایت وحفظ کنیم. الان من گمان می‌کنم ایران درچنین وضعی قرار گرفته است که مساله منافع ملی را باید با واقعیت ها وامکانات وگزینه‌هایی که‌ایران از نظر سیاست بین‌المللی در اختیار دارد مقایسه کرد. به نظر من، ایران از نظر حقوقی گزینه‌ای ندارد جزاینکه یا به کلی از سیستم کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های اتمی خارج شود وبعد دست خودش را باز نگه دارد یا اینکه قبول کند که در داخل این سیستم باقی بماند و رعایت همه‌این تضییعاتی را هم که اعمال شده و می‌شود، بکند. هر کدام ازاین گزینه ها منافعی دارند وباید با توجه به شرایط سیاسی با آن برخورد کرد. من شخصا فکر می‌کنم یکی از دلایلی که تصمیم گیرندگان سیاسی درایران به هرحال ترجیح می‌دهند که داخل این سیستم باقی بمانند، این است که‌این سیستم را تضمینی می‌بینند برای‌اینکه به بهانه خارج شدن ازاین سیستم وبه بهانه برنامه سلاح اتمی‌داشتن،به دست آن کشورهایی که‌ایران را یک کشور شرور می‌بینند و می‌خواهند علیه اش سلاح اتمی‌به کار ببرند ویا دخالت نظامی‌کنند، بهانه ندهند.اینکه‌ایران داخل‌این سیستم بماند تبعا سروکارش با سیستم بین‌المللی است وتبعا می‌شود در داخل‌این سیستم خواسته‌های آژانس را برآورده کرد. خروج از سیستم در نظر آن کشورها، ایران را به کشوری یاغی تبدیل می‌کند که هیچ قانونی از نظر بین‌المللی حافظش نیست.

> ◆
>
> **احتمال دارد فشار در این زمینه به صورت کلی خیلی کمتر بشود یا از بین برود. ولی این اتفاق به معنای این نیست که فشار سیاسی در جهات دیگر از روی ایران برداشته خواهد شد. مثلاً موضوع حقوق بشر از جمله موضوعاتی است که می تواند جایگزین شود**
>
> ◆

برخی معتقدند که وارد شدن‌ایران به روند دستیابی به انرژی اتمی‌بسیار برای کشور پرهزینه بوده است واز همین رو انتقاداتی را وارد می‌کنند مبنی بر اینکه ایران می‌توانست روش‌های کم هزینه‌تری را در پیش گیرد که چنین فشارهای پرحجمی را به دنبال نداشته باشد...آیااین یک سرنوشت محتوم بود یا می‌توانستیم روش‌های بهتری را برای گریز از چنین فشارهایی در پیش بگیریم که پیش از فشارهای سیاسی مشکلات حل می‌شد؟

نه. در مورداین که آیا خوب است که‌ایران به‌این تکنولوژی مجهز بشود یا نه البته نظرهای مختلفی وجود دارد. ولی برای آنان که فکر می‌کنند برای منافع ملی ایران بهتر است که‌ایران سلاح اتمی‌داشته باشد، باید این جورتوجیه کرد که ایران یک مقداری از نظر سیاسی بدشانسی آورد. یعنی در یک زمانی برنامه‌های ایران دارد به نتیجه می‌رسد که شرایط سیاسی دنیا به کلی تغییر کرده وتمام نور افکن هاروی برنامه‌ایران افتاده است. اگراین مساله قبل از یازدهم سپتامبر و یا قبل از هیأت حاکمه فعلی امریکا انجام می‌شد. شاید کسی آنچنان توجهی نمی‌کرد .چنانکه آقای بلیکس که قبلا مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌بود تصریح کرده است که در زمان او کارشناسان آژانس به‌ایران رفته بودند وهمگی از برنامه‌های اتمی‌ایران راضی بودند. احتمالاً ایران در همان زمان هم همین برنامه ها را داشته ولی مشکلی‌ایجاد نشده بود. بنابراین من فکر می‌کنم بسیاری از مشکلات برای‌ایران به خاطر نورافکن‌هایی بود که در دوسال اخیر روی‌ایران انداخته شده و این مساله را به صورت یک مساله حاد درآورده است. ولی از دیدگاه کسانی که معتقدند ایران علی الاصول نیازی به سلاح‌های اتمی‌ندارد شایداین نورافکن‌ها یک حسنی داشته باشد که‌این برنامه هارا به کلی کنار بگذارند که هم هزینه‌های زیادی دارد و هم خطراتی مثل مداخلات نظامی.

ظاهراً اروپا با توجه به سفر اخیر وزرای خارجه سه‌کشور فرانسه آلمان وانگلیس به تهران قبول کرد که در صورت تعهدایران به پروتکل الحاقی شرایطی را برای دستیابی‌ایران به انرژی هسته‌ای صلح آمیز فراهم کند. ایا امکان‌این مساله وجود دارد؟ یا به خاطر بدبینی‌هایی که آنان به ان اشاره می‌کنند می‌تواند معلق شود؟

من مساله نزدیکی‌ایران به اروپا را در بعد وسیع‌تری می‌بینم.این سه کشور اروپایی تجربه عراق در ذهنشان است که چطوراین مساله از داخل شورای امنیت خارج شد وآمریکا یک تنه وبدون توجه به خواسته‌های شورای امنیت مساله عراق را تبدیل به موضوعی کرد که توجیه کننده حمله نظامی‌به عراق شد. کشورهای اروپایی فکرشان‌این است که به هر طریقی که شده از تکراراین سناریوجلوگیری کنند. آنان می‌کوشند مسائلی که به شورای امنیت محول می‌شود در خود همین شورا حل بشود نه‌اینکه یک کشوری بیاید وخودش کارها را به پیش ببرد.این خطر بوده و هست که برنامه اتمی ایرانی منجر به همان سناریوی عراق بشود؛ بنابراین آمدن سه وزیر خارجه به‌ایران آن هم در آن شرایط که ظرف یک هفته آدم‌هایی که ظرف دو ماه سه ماه همیشه همه برنامه‌هایشان پر است بتوانند هماهنگ کننند وبه سرعت خودشان را به‌ایران برسانند، به نظر من نشان دهنده نگرانی شدیداین کشورهاست برای‌اینکه‌این مساله تبدیل به یک بحران نشود وبه همین خاطر می‌خواهند به هر ترتیبی جلوی‌این مساله را بگیرند.قول‌هایی که به‌ایران داده‌اند قول‌های سیاسی است وحتی محتوای آن مشخص نیست. در هر حال می‌توان گفت یک اقدام درست دیپلماتیک از جانب اروپا انجام شد که‌ایران هم از آن بهره برداری کامل وخوب کرد . به خاطر اینکه‌ایران هم از خدا می‌خواست که هشت کشور اتحادیه اروپا که در شورای حکام آژانس نشسته‌اند وقتی قرار است صحبتی بشود و رأی گرفته شود «صدای» ایران باشند ونگذارند تصمیمات حاد در مورد ایران گرفته شود. احتمالاً این سفر وقول وقرارها وصحبت‌هایی که انجام شده است در واقع یک تضمینی است برای‌اینکه شورای حکام وقتی ملاقات دارند حتی اگر گزارشی که آقای برادعی می‌دهدصددرصد گزارش درستی نباشداینها به هرحال بتوانند قول وقرارهای ایران را به عنوان عاملی برای جلوگیری از اقدامات شدید شورای حکام قلمداد کنند.

انجمن فیزیک‌ایران اعلام کرده است که دستیابی‌ایران به سلاح اتمی‌صرفا یک توهم است واگر ما در تکنولوژی هسته‌ای به ظرفیتی رسیده‌ایم، به معنای پیشرفت عام ما دراین موضوع نیست ؛ چرا که شاخه‌های‌این رشته بسیار متنوع است وچنین توهمی مانع توسعه پایدار کشور می‌شود و اگر چنین ادعایی صحت داشته باشد به نظر شما هزینه‌های‌ایران برای چنین مانور سیاسی چقدر بوده است؟

به نظر من حرف در مقابل حرف است. ما الان چیزی که به طور حتمی‌می‌دانیم گزارش کارشناسان آژانس است.این گزارش‌ها از جانب ایران رد نشده وایران نگفته است مواد پیدا شده، آلوده به اورانیوم با علظت بالا نبوده است.ایران همچنین نگفته است که این آزمایش ها را ما انجام نداده‌ایم. صرف این که ادعا کنیم، برنامه تهیه سلاح اتمی‌نداشتیم حرف صحیحی نیست. در مقابل دلیل باید دلیل بیاوریم؛ فقط نمی‌شود ادعا کرد. ایران هنوز دلیلی که محکمه پسند باشد و آژانس بین‌المللی را قانع کند نیاورده است. می‌دانم که درایران عده‌ای می‌گویند آژانس هم ابزاری است در دست دولت‌های غربی ولی به هر حال مساله‌این است که تعداد زیادی کارشناس از کشورهای مختلف(چه غرب و چه شرق) در مورد این موضوع کار می‌کنند ومجموعه دریافت‌این کارشناسان که به صورت حرفه‌ای روی موضوع کار می‌کنند، ملاک قرار گرفته است. اگراینها به‌این نتیجه رسیده‌اند که‌ایران جواب هایی که داده واقعا درست است آن موقع دلیلی ندارد که فکر کنیم‌ایران واقعا سلاح اتمی‌داشته است. تا زمانی که اینها قانع نشده‌اند‌این شک وتردید وجود دارد وحرف یک نفر کافی نیست.

باتوجه به مجموعه اتفاقاتی که در خصوص دستیابی‌ایران به سلاح های اتمی در سطح بین‌المللی به وجود آمده وبا توجه به انزوایی که به دلایل مختلف کشورمان با آن مواجه بوده، ارزیابی شما از وضعیت جدید‌ایران چیست. آیا بیشتر منزوی شده‌ایم یا توانسته‌ایم دنیا را با توجه به پذیرش همه جانبه پروتکل، به حسن نیت‌ایران خوش بین کنیم واحتمالاً گشایش‌هایی برای کشور در سطح بین‌المللی به وجود بیاید؟

اگر قرار باشد در یک دعوای بین‌المللی که‌ایران با یک کشور خواهش کنیم که بیا و به نفع ما رأی بده یا به ما کمک کنید ، من نمی‌شناسم کشوری را که در شرایط فعلی واقعا طرف‌ایران بیاید وکمک کند . اما وضع از این ممکن است بهتر شود، اگر به طور کامل‌این پروتکل اجرا شود در جهت رضایت بخش حرکت کرد. ما این گام اول خواهد بود و قدم های متعدد در زمینه‌های متعدد لازم است؛ از همه مهمتر هماهنگی سیاست خارجی است که هر کدام از مراجع قدرت در‌ایران یک ساز نزنند وهمه کشور یک صدا داشته باشد واین صدا هم احاطه کامل به مسائل منطقه و‌ایران داشته باشد.

به نظر من، کشور، درمورد سیاست خارجی از این جهت یک مشکل ساختاری جدی دارد.